

کارگزاران دولت و کم اعتنائی آنان به مشارکت سیاسی مردم، سیاست‌های ایدئولوژی‌زدایی و رفاه‌طلبی تمرکز داشت و فهرست بلندی را که به عنوان سوء تدبیر ها و سوء رفتارهای دولت پنجم در نظر داشت، به چالش کشید. در این سوی میدان امام‌افقانی باتوکل وجود نداشت که دولت پنجمی‌ها با موفق ارزیابی کردن سیاست‌هایشان معتقد بودند رفاه و سازندگی را برای مردم به ارمان آورده‌اند و در این میان هاشمی رفسنجانی را به عنوان نماد این سیاست «سردار سازندگی» لقب می‌دادند. جناح راست در این مجلس نزدیک به کل کرسی‌های پارلمان را در اختیار داشت و سعی کرد همفکران خود را راهی کابینه کند. برای همین عبدالله نوری و سید محمد خاتمی دو عضو چپ‌گرای دولت در تیررس تغییر قرار گرفتند و در نهایت از کابینه حذف شدند. همین فشار برای یک‌دست کردن دولت از سوی مجلس باعث شد تا جریان تازه‌ای در سپهر سیاسی ایران شکل بگیرد؛ راست‌مدرن متولد می‌شود و در مقابل راست سنتی قرار می‌گیرد؛ بخشی از دولت ششم تصمیم می‌گیرند به نام کارگزاران سازندگی وارد مجلس شوند. ۱۶ نفر از وزرا و معاونان رئیس‌جمهور با عنوان جمعی از کارگزاران سازندگی بیانیهای اضمحلی‌کننده که بین آنها هیچ نامی جز نام محمد هاشمی دیده نمی‌شود. افرادی چون اسماعیل شوشتری، عطاءالله مهاجرانی، محسن نوربخش، محمد هاشمی رفسنجانی، محمدعلی نجفی، مرتضی محمدخان، عیسی کلانتری، اکبر ترکان، سید محمد غرضی، بیژن زنگنه، غلامحسین کرباسچی، رضا امراللهی، غلامرضا فروزش، مصطفی هاشمی طباطبائی، غلامرضا شافعی و محمد رضا نعمت‌زاده. راست سنتی و

مدرن می‌خواستند در ایام انزوای چپ باهم رقابت کنند؛ رقابت در مجلس پنجم. اگر جناح راست، تمام قد پشت هاشمی ایستاد، جناح چپ سیاست سکوت اتخاذ کرد. جامعه روحانیت مبارز تهران که هاشمی از اعضای شاخص شورای مرکزی‌اش بود به حمایت از هاشمی پرداخت، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام کرد که همچنان هاشمی را راجح می‌داند. حتی روزنامه رسالت که زمانی احمد توکلی، سردبیر آن بود و از بنیانگذارانش به حساب می‌آمد نیز به حمایت شدید از هاشمی پرداخت و حبیب‌الله عسگرآبادی، دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی با سابقه‌ترین تشکل جریان محافظه‌کار نیز حمایت حزب متبوعش از هاشمی را اعلام کرد. برخلاف جناح راست که با تمام قوا در انتخابات حاضر شد و به دفاع دوباره از دولت مورد حمایت خود پرداخت، جناح چپ یا همان خط امامی‌ها که در چهار ساله دولت اول هاشمی عملاً از عرصه سیاسی کناره گرفته بودند، ترجیح دادند در برابر انتخاباتی که در حال برگزاری بود سکوت اختیار کنند. مهم‌ترین تشکل‌های جریان خط امام؛ یکی مجمع روحانیون مبارز تهران بود و دیگری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. مجمع روحانیون مبارز که در دوره پنجم انتخابات ریاست‌جمهوری از هاشمی رفسنجانی حمایت کرده بود، این بار با توجه به کنار گذاشته شدن چپ کابینه هاشمی چندان تمایلی به ادامه حمایت خود نداشت اما در نفعی دولت هاشمی نیز فعال ظاهر نشد و سیاست سکوت را برگزید. همان زمان برخی اعضای مجمع روحانیون مبارز اعلام

در آستانه انتخابات مجلس چهارم، ماده سوم قانون انتخابات (مصوب سال ۱۳۶۲) که نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس را «عام و در تمام مراحل و کلیه امور مربوط به انتخابات» می‌دانست، از سوی شورای نگهبان به نظارت «استصوابی» و لازم‌الاجرا تفسیر شد. اگر چه قبلاً حتی خوانش «عام» هم محل مناقشه و اختلاف نظر بود. برای همین در انتخابات مجلس سوم، وزارت کشور معتقد بود که شورای نگهبان تنها باید نسبت به بررسی صلاحیت آن دسته از افرادی که در هیأت‌های اجرایی رد صلاحیت شده اقدام کند؛ اما شورای نگهبان هرگز چنین اعتقادی نداشت و در عمل حتی صلاحیت کسانی هم که در هیأت نظارت تأیید شده بود ممکن است توسط شورای نگهبان رد شود

کردند که نفیاً و اثباتاً در انتخابات شرکت نخواهند کرد. همزمان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز کمابیش موضعی مشابه اتخاذ کرد. در همین ارتباط بهزاد نبوی از اعضای ارشد شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب در اظهار نظری این انتخابات را «تشریفاتی» خواند و برده هاشمی را مسجل پیش بینی کرد. این چنین بود که انتخابات ششم ریاست‌جمهوری اسلامی ایران در شرایطی برگزار شد که انفعال جناح چپ و انزوای طلبی آن‌ها، شرایط را برای در دست گرفتن مجدد ریاست‌دولت توسط هاشمی مهیای ساخت. کابینه دوم هاشمی نسبت به دوره اول به نوعی چرخش به راست بود اما در نهایت جناح راست مجلس در فضای تک‌صدایی این بار در مقابل هاشمی رفسنجانی قرار گرفتند و «برای توجیه این برخورد، به دخالت در معادله رابطه رهبری و رئیس‌جمهوری پرداخت». شاید به همین دلیل بود که سراغ محمد هاشمی، رئیس صداوسیما رفتند و علیه و فعالیت‌های صداوسیما گزارش تحقیق و تفحص تهیه کردند و آن گزارش علیه رئیس سازمان صداوسیما، در صحن علنی قرائت شد. با اینکه رئیس‌جمهوری، امتیازات زیادی به جناح راست داد اما اکثریت آنها به نوبت بخش رأی اعتماد ندادند. در این دوره اگر چه جناح چپ مشغول بازسازی خود بود اما جناح راست زیربنای حضورش را مستحکم می‌کرد. آنها با شعار حمایت از هاشمی وارد مجلس شده بودند ولی در ادامه عکس‌شعارشان عمل کردند و برنامه دیگری در پیش گرفتند. مهم‌ترین مصداق آن تبدیل نظارت استصوابی به قانون بود و قانون دیگر ممنوعیت نصب ماهواره در منازل بود که در ابتدا قرار بود قانون موقت سه‌ساله باشد اما امتداد آن تا به امروز کشیده شد. باطلی فراز و نشیب‌های طولانی ۶ خردادماه سال ۷۵ مجلس چهارم به پایان رسید و فردای آن روز شروع دوباره برای مجلس دیگر بود؛ مجلس پنجم شورای اسلامی.

■ تحقیق و تفحص از صداوسیما

آخرین اقدام مؤثر سیاسی سید اکبر هاشمی، نماینده اصفهان را می‌توان تحقیق و تفحص از صداوسیما در مجلس چهارم دانست که به تغییر محمد هاشمی انجامید یا با تغییر او همزمان شد. به دستور مدیرعامل وقت صداوسیما جوابیه‌تندی از رادیو قرائت شد که در آن محمد هاشمی آشکارا بر اکبر پرورش تاخت و ریشه‌اختلاف را بر سرانجمن حجتیه دانست و پرورش را به این گروه نسبت داد. بعد از آن، محمد هاشمی خود از جام جم رفت اما با آن واکنش تند و ضریح، عملاً پرورش را هم با وجود قدرت گرفتن دوستان از دایره کنار زد تا جایی که بعدتر نیز نتوانست نقشی ایفا کند و مقالات او هم در روزنامه رسالت، که به او لقب استاد داده بودند، کمتر خبری شد. بعد از پایان مجلس چهارم پرورش به اصفهان بازگشت. او در سال‌های بعد بسیار کوشید که دورت شدید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به این خاطر بزاید، چرا که همین تحقیق و تفحص و کنار رفتن محمد هاشمی مهم‌ترین تریبون را از هاشمی رفسنجانی گرفت و آغازی شد برای حملات بعدی به نزدیکان و بستگان او. بعد از محمد هاشمی، علی لاریجانی در سال ۱۳۷۳ به ریاست صداوسیما منصوب شد؛ اما بار دیگر در مجلس ششم، مجلس توانست از صداوسیما تحقیق و تفحص کند اما در ابتدا شورای نگهبان با این تفسیر که رهبر فوق همه قواست مانع از تحقیق و تفحص مجلس گردید. با اصرار نمایندگان، رهبری تحقیق و تفحص را پذیرفت و مجلس توانست تنها در سه موضوع؛ میزان و نحوه هزینه کردن درآمدهای آگهی‌ها، خریدهای خارج از کشور و اهدای هدایا تحقیق کند. گرچه به گفته نمایندگان طرح تحقیق با کارشکنی‌های متعدد سازمان مواجه شد و بیش از یک‌سال به طول انجامید، صداوسیما و قوه قضائیه نمایندگان را تهدید به محاکمه کرده بودند و در نهایت پرونده صداوسیما در مجلس هفتم بدون رسیدگی بسته شد. در این دوره لاریجانی تحقیق و تفحص نمایندگان را به تمسخر گرفته و آن را «اکشکی» خواند که با انتقاد سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری و اکبر اعلی (رئیس هیأت نظارت بر صداوسیما) مواجه شد.

مجلس چهارم در آمار

انتخابات این مجلس در دو دوره؛ دوره نخست در ۲۱ فروردین ۱۳۷۱ و دوره دوم در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ برگزار شد. در نهایت، در انتخاباتی که اعلام شد واجدان شرایط رأی دادن در آن ۳۲ میلیون و ۴۶۵ هزار نفر هستند، ۱۸ میلیون و ۷۶۷ هزار نفر شرکت کردند. در حالی که میزان مشارکت مردم در این انتخابات حدود ۵۸ درصد بود، در استان‌های تهران و اصفهان کمتر از ۵۰ درصد واجدان شرایط به پای صندوق‌های